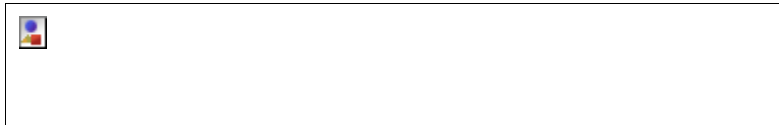


سلسله ی قاجار چگونه تاسیس شد؟



مرکز ایل قاجار استرآباد (گرگان) بود که آقا محمد خان پس از فرار از شیراز خود را به آنجا رساند و در اندک مدتی برادران و مخالفان خود را مطیع ساخت. آقا محمد خان پس از سلطه بر گرگان و دیگر قسمت های مازندران در صدد مقابله با نیرومند ترین رقیب خویش یعنی لطفعلی خان زند برآمد و به این منظور به شیراز حمله کرد. حاج ابراهیم خان کلانتر صدر اعظم لطفعلی خان دروازه های شهر را به روی خان زند بست و او را به پایتخت راه نداد. لطفعلی خان که می دانست به زودی سپاه آقا محمد خان فرا خواهند رسید، ناچار به کرمان رفت و در این شهر سنگر گرفت و آقا محمد خان قاجار شهر کرمان را محاصره کرد و پس از تصرف شهر عده ی زیادی از مردم کرمان را کشت و سپس لطفعلی خان زند را در قلعه ی بم دستگیر کرد و کمی بعد او را کشت و پس از بازگشت از نخستین لشکر کشی به گرجستان در سال ۱۲۱۰ هـ.ق در تهران تاجگذاری کرد و رسماً سلسله قاجار را پایه گذاری نمود و در دومین لشکر کشی به گرجستان در یکی از شبها بر دو تن از خدمتکاران خویش خشم گرفت و وعده ی مرگ داد و آنها شبانه به چادر آقا محمد خان قاجار ریختند و او را کشتند.

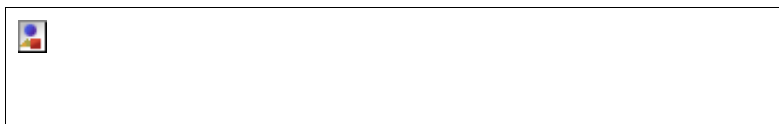


آقا محمد خان قاجار



در مورد آقا محمد خان قاجار:

آقا محمد خان در طی ۱۸ سال حکومت خود توانست قسمت اعظم خاک ایران را تحت نفوذ خویش در آورد. وی غالباً به جای بکار بردن شمشیر با تدبیر و دادن رشوه به مقاصد و نیات خود می رسید. او مردی سنگدل و خشن و کینه توز و سخت کوش بود. از دور هیکل وی به یک جوان شباهت داشت ولی از نزدیک شخصی بی ریش با صورتی چروک خورده بود که قیافه ای مهیب بود و اگر کسی صدای او را از پشت پرده یا دیوار می شنید فکر می کرد که صدای یک زن می آید. هنگام تصرف کرمان دستور داد بیست هزار جفت چشم از اهالی آنجا را از حدقه در آورند و به او تقدیم دارند و بدین طریق تمام جمعیت ذکور شهر کرمان کور شدند و زنانشان مانند برده بدست لشکر فاتح افتادند. در تصرف تفلیس نیز دستور داد پیران و مردان بیمار و نیز تمام کشیشان شهر قتل و عام کنند و مردم سالم و تندرست را از زن و مرد که شمار ایشان به بیست هزار تن می رسید به بردگی گرفتند و در تصرف خراسان با اینکه شاهرخ نابینا نوه ی نادر به استقبال آقا محمد خان آمد ولی او به طمع جواهرات نادری دستور داد خمیر بر سر شاهرخ نابینای پیر گذاشتند و سرب گداخته ریختند تا محل یاقوت مشهور اورنگ زیب را بگویند ولی او در گذشت. آقا محمد خان در هنگام مرگ ۶۳ سال داشت و جسدش را در نجف اشرف به خاک سپردند.





فتحعلی شاه قاجار

فتحعلی خان که برادرزاده آقا محمد خان بود با کمک و راهنمایی حاج ابراهیم خان کلانتر به سرعت خود را از شیراز به تهران رساند و به تخت سلطنت نشست و خود را فتحعلی شاه نامید و پس از غلبه بر عموهای خود و تحکیم پایه های سلطنت بر حاج ابراهیم خان کلانتر بدگمان شد و دستور قتل او را داد. در زمان پادشاهی فتحعلی شاه دو جنگ بین ایران و روسیه اتفاق افتاد که نتیجه آن واگذاری قسمت های زیادی از کشورمان به روسها بود. علت این جنگ این بود که روسها از دیر باز به خاک ایران طمع داشتند. در دوره ی فتحعلی شاه به دلیل ناتوانی نظامی و سیاسی حکومت ایران، روسها به فکر عملی کردن نیت خود افتادند و بهانه تمایل حاکم گرجستان یعنی گرگین به پیوستن به روسیه بود و آنها شروع به پیشروی در مرزهای ایران کردند. ایران ابتدا از فرانسه و بعد از انگلستان در خواست کمک کرد اما این کارها نتیجه ای نداشت. سرانجام سپاهان ایران به فرماندهی عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه از مقابله با ارتش روسیه باز ماندند، قرارداد صلحی بنام گلستان امضاء شد و شهرهای باکو و گنجه از ایران جدا و به روسها داده شد. ولی شکست موجب خشم ایرانیان شد و فتوای جهاد علما و جوشش خود مردم باعث جنگ دوم ایرانیان با روسها شد و پیروزی هایی نصیب ما شد ولی بر اثر سیاست های نادرست حکومت قاجار، سپاه ایران شکست خورد و قرارداد ترکمنچای امضاء شد و بخشهایی از نواحی ارمنستان و آذربایجان نیز به تصرف روسها در آمد در زمان فتحعلی شاه ناپلئون بناپارت در فرانسه حکومت می کرد و حکومت فرانسه به فکر دولتی با حکومت ایران افتاد. زیرا از یکسو به رقابت و دشمنی با انگلستان برخاست و از سوی دیگر قصد داشت روسیه را تصرف کند. و می خواست با حمله به هند از طریق ایران انگلستان را از آنجا بیرون کند و فتحعلی شاه که با حمله ی روسها مواجه بود قرار داد فین کن اشتاین را با فرانسویان منعقد کرد. قراردادی که فرانسویان به جهت صلح با روسها هیچگاه به آن عمل نکردند.

انگلیسی ها نیز زمان فتحعلی شاه را فرصتی مناسب برای نفوذ خود در ایران می دانستند و به دلایل زیر خواهان رابطه با ایران بودند :

- ۱- از نفوذ فرانسه و روسیه از راه ایران به هندوستان جلوگیری کنند.
- ۲- مانع حمله ی احتمالی ایران به هندوستان شوند.
- ۳- بازارهای ایران را در اختیار خود بگیرد.



ناپلئون بناپارت



فتحعلی شاه حدود ۲۸ سال پادشاهی کرد او در ۶۴ سالگی جهان را بدرود حیات گفت. جسد او را به قم برده و در آستانه حضرت معصومه (س) بخاک سپردند. فتحعلی شاه در دوره ی پادشاهی طولانی خویش همواره سرگرم کشمکش با قوای داخلی و خارجی بود و به کمک فرزندان خود بود که توانست بر مشکلات داخلی کشور توفیق یابد. علاقه ی او بیش از همه بر گرفتن زن و جمع کردن مال بود و در تواریخ او را دارای ۲۵۸ زن دانسته اند که از آنان ۶۰ پسر و ۴۸ دختر داشت و در موقع مرگ از او ۵۷ پسر و ۴۶ دختر و ۲۹۶ نوه ی پسری و ۲۹۲ نوه ی دختری باقی ماند. کثرت اولاد او در زمان او و پس از خودش اوضاع اداری مملکت را مشوش کرد و چون هر کدام از این شاهزادگان کثیر العدد متوقع دستگاه و جاه جلال خاصی بودند. فتحعلی شاه بر خلاف عمویش آقا محمد شخصی رقیق القلب بود و در موقع اجرای حکم اعدام همواره روی خود را بر می گرداند. از اصلاحات خبری نداشت و شاید هرگز به فکر این کار نیفتاده بود. پادشاهی ادب پرور و شعر دوست بود و خود گاهی هم شعر می گفت و تلخیص او خاقان بود. غیر از حاج ابراهیم خان کلانتر که به فرمان او در ۱۲۱۵ با کسان خود کشته شد در دوره ی سلطنت خود چهار وزیر داشت و آنان میرزا شفیق مازندرانی، حاج محمد حسین خان اصفهانی، عبدالله خان امین الدوله و الله خان آصف الدوله بودند.



نقشه اروپا در زمان ناپلئون

ولیعهد او عباس میرزا چهارمین پسر او بود که فرمانده سپاه ایران نیز بود و یکسال قبل از

خودش در سال ۱۲۴۹ هـ.ق در سن ۴۷ سالگی به درد کلیه در مشهد در گذشت. او شخصیتی بود که شجاع و ثابت قدم و بی پروا بود و از صفات عالیه اخلاقی نیز بهره داشت. صنعت چاپ را در ایران رواج داد و نخستین کسی بود که قشون ایران را به نظام نوین اروپایی آراسته کرد.



عباس میرزا

آدرس لینک صفحه : www.amouzeshelmi.ir/tarikh/3/05/tarikh-3-5.htm

اجرا و پشتیبانی توسط مؤسسه فناوری اطلاعات کاشف